وضعیت ۷۰ حمام عمومی باقی مانده در تهران

گرمابه‌هایی که از خاطر شهر شسته شد

یوسف حیدری
گزارش نویس

اگر دهه شصتی هم باشید حتماً حمام‌های عمومی یادتان مانده است؛ حوضچه‌هایی که دور آن می‌نشستیم و دلاک‌هایی که با کیسه پوست‌مان را می‌کندند و با لیف نوازش‌مان می‌دادند. گاهی اوقات برای دوش گرفتن باید شامپو به‌دست جلوی دوش‌ها صف می‌کشیدیم و حوصله‌مان که سرمی‌رفت یکی می‌زد زیر آواز. معرفت و مهربانی رسم آدم‌های حمام عمومی بود؛ یکی آب روی سرت می‌ریخت، یکی توی رختکن لقمه نانی دستت می‌داد. کمک به استحمام سالمندان هم که یک وظیفه اخلاقی بود. اما از آن روزها دیگر جز خاطره‌ای کمرنگ نمانده و حالا حمام‌های عمومی یکی بعد از دیگری با همه خاطرات‌شان تخریب می‌شوند و برج‌های بدقواره جای‌شان را می‌گیرند؛ البته اگر بتوانند مجوز بگیرند وگرنه تبدیل به انبار کاسبان محل می‌شوند.

بر اساس آمار از هزار و ۲۰۰ گرمابه تهران، فقط ۷۰ گرمابه باقی مانده و آنهایی هم که مانده‌اند یا انبار کالا و ضایعات شده‌اند یا درحال تخریب هستند. کرونا هم که همان چند مشتری جسته گریخته را فراری داده و دیگر خبری از دود سیاهی که از دودکش تون‌شان بلند می‌شد، نیست.

«گرمابه کوروش یکی از قدیمی‌ترین ساختمان‌های منطقه نظام‌آباد است. سال‌هایی که خبر از گاز و آب لوله‌کشی نبود، اینجا جایی برای سوزن انداختن پیدا نمی‌شد اما یکباره برکت از حمام رفت، مثل خیلی چیزهای دیگر.» این را جعفر می‌گوید. کسی که سال‌هاست به تنهایی گرمابه کوروش را اداره می‌کند و معتقد است حمامی به تمیزی اینجا پیدا نمی‌شود. یکی از نمره‌ها را آشپزخانه کرده و بساط صبحانه را هم روی سکوی رختکن پهن کرده است: «حاجی، برادر، بدون اجازه داخل نرو. اینجا آشپزخانه است. دست به چیزی نزن، آلوده می‌شود.» این را به کسی نمی‌گوید، نوشته‌ای است که روی در نمره چسبانده. قوری و کتری را روی پیک نیک می‌گذارد و با دو شستش پنیر را وسط لواش می‌مالد. تعارف می‌زند و می‌گوید: «به هرحال این روزها باید بیشتر از قبل مراقب سلامتی‌مان باشیم.»

جعفر عینک بزرگش را روی صورت جابه‌جا می‌کند و می‌گوید: «کار و بار ما قبل از کرونا هم تعریفی نداشت. این حمام ۶۵ سال قدمت دارد و برای من هر کاشی اینجا تابلویی از یک خاطره است. یادش بخیر؛ اینجا ۱۰۰ تا کمد داشت با این حال اینقدر مشتری می‌آمد که مجبور می‌شدیم ساک‌ها را روی قفسه‌ها بچینیم. دو نفر هم مأمور مراقبت از ساک‌ها و بقچه‌ها بودند. چند سالی هست به دستور وزارت بهداشت قسمت حمام‌های عمومی بسته شده و فقط نمره باز است. اینجا ۲۰ تا حمام نمره دارد. مشتری ما هم فقط کارگرانی هستند که از شهرستان برای کار به تهران می‌آیند و هفته‌ای یک بار برای استحمام به ما سر می‌زنند. به هر حال آنها هم حمام نیاز دارند و غروب چند نفری با هم می‌آیند و استحمام می‌کنند. به غیر از این هم اگر یک وقت آب یا گاز کوچه‌ای قطع شد، مشتری جدید پیدا می‌کنیم. بعضی روزها ۸ تا و بعضی روزها هم ۳ تا مشتری داریم. اینجا فقط چراغش روشن مانده و هزینه آب و برق و گازش هم درنمی‌آید.»

- چی داشتی؟

- آب خالی.

- ۲۰ تومن.

جعفر کارت مشتری را می‌گیرد و می‌گوید از صبح تا الان فقط همین مشتری را داشتم. نرخ استحمام ۱۵ تومن برای ۴۵ دقیقه است، شست و شوی لباس هم ۲ هزار تومن. شما قضاوت کن با این مبلغ صرفه‌ای دارد چراغ اینجا روشن بماند؟ پسر جوان که کیسه نایلونی را محکم به دست گرفته، می‌گوید: «اگر این حمام نباشد ما چکار کنیم؟ یک سالی هست از ملایر برای کار به تهران آمده‌ام. توی یک مغازه در و پنجره‌سازی کار می‌کنم و شب‌ها هم همان جا می‌خوابم. هفته‌ای یک بار هم برای استحمام اینجا می‌آیم. توی این منطقه فقط همین یک حمام است. هربار هم که می‌آیم لباس‌هایم را می‌شویم و پشت بام مغازه پهن می‌کنم. خدا کند چراغ اینجا همیشه روشن بماند.»

به حمام دیگری سر می‌زنم؛ گرمابه زهره که خیلی هم شباهتی به حمام ندارد و بیشتر به انبار ضایعات شبیه است. این را می‌شد همان دم در هم متوجه شد. به هرحال اینجا هم خبری از مشتری نیست. درهای آهنی زنگ زده، کاشی شکسته و پیرمرد نگهبانی که روی تخت کنار در دراز کشیده است. با دیدن من تصور می‌کند مشتری آمده و فوراً از جا بلند می‌شود. نوشته روی دیوار را می‌خوانم: «ورود معتادان به حمام عمومی ممنوع.»

می‌گوید اینجا را این طوری نبین؛ گرمابه زهره ۶۰ سال قبل برای خودش برو بیایی داشت. نامش سید رئوف است و ۴۰ سالی هست که برای زهره کار می‌کند. همین جا بازنشسته شده و چند سالی هم هست که همین جا نگهبانی می‌دهد و اگر هم مشتری ای برای حمام باشد، یکی از نمره‌ها را راه می‌اندازد: «یک زمانی ۱۶ نفر توی این حمام کار می‌کردیم و همه هم بیمه بودیم. من که از اول نگهبان نبودم، فنی بودم و توی قسمت موتورخانه حمام کار می‌کردم. کارم این بود که آتش دیگ چدنی را که ارتفاعش ۶ متر است، روشن کنم و مراقب باشم آب سرد نشود. دیگ بزرگ چدنی تا ۱۰ روز آب را گرم نگه می‌دارد و با فشار زیاد وارد لوله‌ها می‌کند. باور می‌کنی تو سال‌های ۶۰ مجبور بودیم سه نصف شب حمام را باز کنیم؟ وگرنه مشتری پشت در می‌ماند. یک بار نصف شب چند تا مأمور پلیس به مرد جوانی که ساک دستش بوده مشکوک می‌شوند و تصور می‌کنند دزد است. مرد قسم می‌خورد که از حمام می‌آید ولی آنها باور نمی‌کنند و می‌گویند نصف شب کدام گرمابه باز است؟ بالاخره آن مرد مأمورها را به اینجا آورد و ما هم گفتیم راست می‌گوید اینجا بود. با دیدن صورت رنگ پریده مرد گفتم این آقا مشتری ما است، چون خلوت‌ترین ساعت، نصف شب است معمولاً این موقع می‌آید. باور می‌کنی هنوز هم در تنهایی‌ام صدای مشتری را می‌شنوم که داد می‌زند آقا رئوف خشک بده، شامپو بده، تیغ بده!»

> یک بار نصف شب چند تا مأمور پلیس به مرد جوانی که ساک دستش بوده مشکوک می‌شوند و تصور می‌کنند دزد است. مرد قسم می‌خورد که از حمام می‌آید ولی آنها باور نمی‌کنند و می‌گویند نصف شب کدام گرمابه باز است؟ بالاخره آن مرد مأمورها را به اینجا آورد و ما هم گفتیم راست می‌گوید اینجا بود. با دیدن صورت رنگ پریده مرد گفتم این آقا مشتری ما است، چون خلوت‌ترین ساعت نصف شب است معمولاً این موقع می‌آید

سید رئوف به دیوار رنگ و رو رفته حمام اشاره می‌کند و می‌گوید: «از ۱۶ تا حمام نمره فقط ۶ تا نمره کار می‌کند و بقیه هم که می‌بینی به این وضع درآمده. خیلی وقت است وضعیت به این شکل درآمده و خبری از مشتری و کاسبی نیست. حمام عمومی ۱۵ سال قبل بسته شد و الان هم شده انباری تولیدی کاشی و سرامیک. به هرحال باید از یک جایی درآمد کسب کرد و چاره‌ای هم نیست. زمانی دلاک‌های حمام زهره در تهران معروف بودند. خیلی‌ها به شوق مشت و مال دلاک اینجا می‌آمدند. صاحب حمام خیلی دنبال گرفتن مجوز تخریب رفت اما مجوز نمی‌دهند. به حمام‌های عمومی فقط مجوز بازسازی می‌دهند. الان هر دوماه قبض گاز ۵۰۰ هزار تومان می‌آید. قدیم با نفت سیاه دیگ چدنی را روشن می‌کردیم و پولش هم چیزی نمی‌شد. اینجا روزی ۲۰۰ نفر مشتری داشت و وقت سرخاراندن نداشتیم. ای کاش مسئولان شهری از ما حمایت می‌کردند تا دوباره بتوانیم حمام را بازسازی کنیم.»

از ۷۰ حمامی که در تهران باقی مانده، اگر مشکل سرقفلی و مالک و مستأجری را حل کنند، می‌توانند مجوز تخریب بگیرند تا یکسره این میراث دیرینه ایرانی از روی زمین محو شود.

سید مهدی سجادی، رئیس اتحادیه گرمابه‌داران، سونا و ماساژ می‌گوید: مشکلات حمام‌های عمومی از دی ماه سال ۸۹ با شروع هدفمندسازی یارانه‌ها شروع شد: «با اجرای هدفمندی یارانه‌ها یک دفعه آب بها ۳۰ برابر شد. یعنی یک متر مکعب آب که ۲۵ هزار تومان بود، ۸۰۰ هزار تومان شد. این روند صعودی همچنان ادامه دارد. البته فقط آب نیست؛ فاضلاب و گاز هم به هزینه‌های حمام عمومی اضافه شد. حالا با این اوضاع چقدر باید پول استحمام از مردم بگیریم؟ کسانی که از حمام عمومی استفاده می‌کنند قشر خیلی ضعیف جامعه هستند و حتی توان پرداخت ۲۵ هزار تومان پول استحمام را هم ندارند. با این وضعیت ادامه فعالیت حمام‌های عمومی توجیه اقتصادی ندارد. بی‌توجهی به حمام‌های عمومی از سوی مسئولان شهری درحالی است که ترکیه با ساخت حمام‌های عمومی به‌نام «ترکیش بس» میراث ایرانی حمام عمومی را هم به‌نام خود ثبت جهانی کرده است. چندی قبل یک ایرانی با ساخت حمام عمومی در فرانسه توجه خیلی از فرانسوی‌ها را جلب کرد و حالا فرانسوی‌ها برای استفاده از این حمام ۳۵ یورو می‌پردازند.»

از انبار کاشی و سرامیک بیرون می‌آیم و دنبال دودکش تون حمام می‌گردم. نه دودی از پشت بام به هوا می‌رود و نه کسی با ساک به سمت حمام می‌آید.

ایران

جدول سودوکو ۳۶۰۳

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

۴					۹		۷	
		۵	۳	۴		۱		۹
		۱	۵	۶		۳	۲	
۱	۳		۸	۵				
				۳	۲		۵	۸
	۱	۶		۸	۵	۷		
۸		۷		۲	۱	۹		
	۹		۶					۱

متوسط

		۸			۹	۷		
			۴	۲			۵	۸
		۶			۷		۲	
							۳	۶
۶		۴				۵		۱
۹	۳							
	۴		۳			۸		
۸	۶			۱	۲			
		۵	۶			۳		

سخت

			۸			۶		
	۸	۵	۹			۱		۳
	۳			۲		۴		
۵							۸	
۷			۳		۲			۶
	۴							۹
		۴		۷			۶	
۸		۷			۳	۹	۵	
		۲			۴			

خیلی سخت

۳	۹		۴			۶		
۸				۵	۷	۳	۴	
۵						۸		
		۱	۶		۴	۹		
		۶						۴
	۲	۸	۵	۱				۳
		۷			۸		۲	۱

حل جدول سودوکو شماره ۳۶۰۳

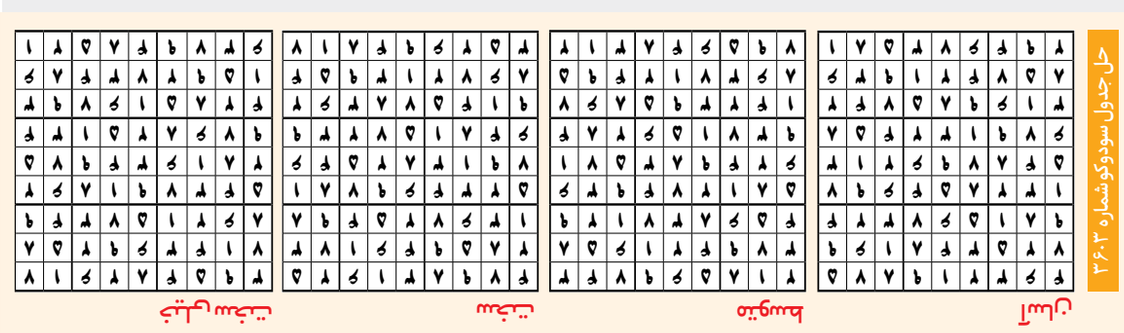

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۵۶۹

جدول عادی

افقی:

۱- رگ پرسپولیسی!- تیم «اراک» در لیگ برتر این فصل
۲- شنیدن- جوشن و زره- دیدگاه‌ها
۳- از تنقلات شیرین- حق نفی رأی- وداع- فرو رفتن ظرف
۴- کشتی محلی- ضمیر مفعولی- ابزار
۵- ضمیر مؤدبانه- پهلویی، کناری- کارمند
۶- وصله ناپیدا- کشوری در غرب آفریقای مرکزی- با پالایش این گاز اتیلن به‌دست می‌آید
۷- دوباره کاری- وسیله روشنایی- مخفف آنکه
۸- تشک ماوس- تیتراژ- دیروز
۹- ارتباط- فیلم «رحیم بهبودی‌فر» (۱۳۹۷)- شهری تاریخی در استان «آذربایجان شرقی»
۱۰- دیگ سرگشاد- کمیاب- طعم گس چای
۱۱- کودک بازیگوش- پوسته شفافی در جلوی کره چشم- بزرگ جثه
۱۲- تمدنی کهن- با «ناز» آید- محکم و قاطع
۱۳- صدای خالی شدن باد تیوپ دوچرخه- کانون‌ها- قیم، ناصح- عدد ورزشی
۱۴- تقویت خاک- چروک پارچه- راهی که رو به نشیب برود
۱۵- پیس و سناریو- املا

عمودی:

۱- پرنده‌ای با منقار قلاب مانند و چشمان ترسناک- نورگستر و درخشان
۲- ساقه زیرزمینی- چاره‌ای برای حل مسأله- عددی ترتیبی
۳- عادت- جزیره ایرانی- اینگونه هم پرنده زیبا است- رنجوری
۴- پول زیرمیزی- شعبه جانبی- ستاره شناسی
۵- گذرگاه فرودگاهی- شاخه تازه درخت- دامنه کوه و تپه
۶- مجلس روسیه- واضح- رودی در «آلمان»
۷- اشاره به دور- فام- نشیمن و حجره- لباس
۸- سریال کارتونی ژاپنی بر مبنای اثر «جین وبستر»
۹- شوق، شادی- ویران- زیرک و بلا- یک و دو
۱۰- کسی که پاک از تهمت است- باران شاعر- حامی، دستگیر
۱۱- پسر یعقوب نبی- نوظهور و چشمگیر- تلفظ حرف «ص»
۱۲- خدمتکار پیر- پیدا کن!- رنگی برای چشم
۱۳- کلام تردید- لکنت زبان- ضد «فراز»- عدد توحیدی
۱۴- واحد شمارش قطعات کاغذ- طرد شده- خویشی
۱۵- خزنده باسواد!- دارایی و مال

جدول ویژه

افقی:

۱- گنبد گچبری شده- غذای «کرمانشاه» خوشمزه و مجلسی
۲- ترانه زیبا از «سالار عقیلی»- منفعت- پیش‌درآمد «اطوار»
۳- مظهر باریکی- پول حاصل از صادرات- حل مشکل- جشن «ویتنام»
۴- کیفیت و ماندگاری- لکن- مایع غلیظ
۵- یتیم شدن- شاخه‌ای از عکاسی- به‌درستی که
۶- جریب- ترسناک- فصل زرد
۷- مرکز استان «کردستان»- کالا- ذوق و شوق
۸- بانگ تیز- هافبک «فولاد خوزستان»- ضمیر بیگانه
۹- نرم افزار اندرویدی دانش‌آموزان در این روزهای کرونایی- مادر اسحاق- شهر «یخدان فروتقه»
۱۰- سکون- رشک برنده- فلج
۱۱- عامل بیماری ایدز- کلاه موتورسوار- آسیب
۱۲- نمونه- شهری در استان «قزوین»- آهسته
۱۳- شالوده- استانی در «ترکیه»- اثر «کافکا»- ماه برفی
۱۴- جلو- برج دهم- سریالی از «احمد معظمی»
۱۵- گلزن «لیورپول»- فیورد

عمودی:

۱- شهری در استان «قزوین»- فیلمی از «محسن ماهینی»
۲- سوغاتی «کرمان»- شتر... دولا دولا نمی‌شود- کیفر
۳- نقش هنرپیشه- زنهاری- ثروتمند- درنده
۴- سخن چین- خسیس- جمع رئیس
۵- صبح زود- باغ- منفعت طلب
۶- رنج و عذاب- ناحیه- خراب و ویران کننده
۷- سرکه- تیغه دریل- درخت مسواک- جد
۸- گونه‌ای طعم دهنده غذا
۹- رسایی- بخاری برقی- پیشوند یک دهم- ابر پایین آمده
۱۰- دهمین ماه سال قمری- تأیید پست اینترنتی- خلاف ناقص
۱۱- امانت- دادگری- قوم باستانی
۱۲- بلند مرتبه- سنگ قیمتی- آبیاری زمستانی
۱۳- صوت تعجب بانو- بین آرنج و شانه- شهر «کاخ کرملین»- بت جاهلیت
۱۴- سختی و فزونی- نامناسب و ناهماهنگ- مجبور شده
۱۵- پایتخت «نپال»- سد استان «همدان»

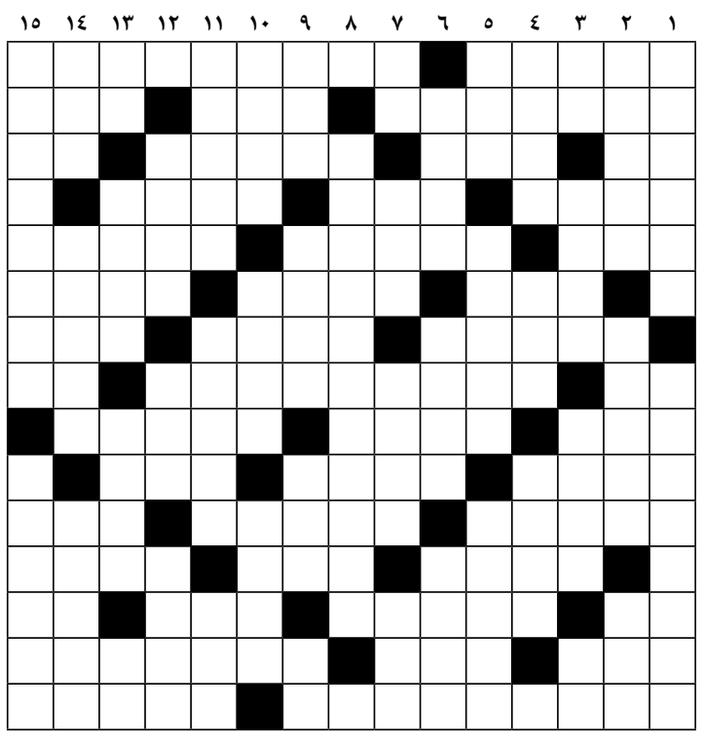

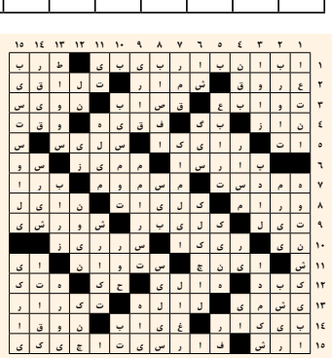
حل جدول عادی شماره ۷۵۶۸

حل جدول ویژه شماره ۷۵۶۸